

مقایسه کارکردهای بلاغی ندا در اسرارالتوحید و مقامات ژنده‌پیل (بر مبنای فرانقش اندیشگانی)

مهدی آذرحزین*

فرشته میلادی**

چکیده

جملات ندایی یکی از انواع ساختارهای دستوری هستند که کارکردهای بلاغی گوناگونی دارند. با توجه به گفتمان مسلط بر بافت متنی «اسرارالتوحید» و «مقامات ژنده‌پیل» که گفتمانی تعلیمی - صوفیانه دارند، می‌توان به مقاصد بلاغی ندا در این متون دست یافت. نویسندگان در این آثار برای القای اندیشه خود به مخاطبان از امکانات مختلف بلاغی بهره گرفته‌اند. این پژوهش با تکیه بر دستور نقشگرا و نظریه نظم کلام به مطالعه ارتباط معنای ثانوی جملات پس از حروف ندا و شیوه به‌کارگیری فرآیندهای زبانی در اسرارالتوحید و مقایسه آن با مقامات ژنده‌پیل پرداخته تا از این طریق مشخص شود که هر یک از این نویسندگان از چه سازوکاری برای تعلیم مخاطب خود در قالب جملات ندایی بهره گرفته‌اند. مبنای تحلیل این پژوهش فرانقش اندیشگانی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گاهی رابطه معناداری میان معنای ثانوی کلام در جملات پس از حروف ندا و شیوه به‌کارگیری فرآیندهای زبانی در هر دو کتاب یادشده وجود دارد و گاه نیز جریان متفاوتی شکل گرفته که بیش از هر چیز تحت تأثیر موضوع کلام، سطح آگاهی مخاطب و رابطه میان گوینده و مخاطب قرار دارد. فرآیندهای مادی در هر دو اثر، ابزار اصلی انتقال اندیشه تعلیمی در قالب جملات ندا به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان تعلیمی - صوفیانه، اسرارالتوحید، مقامات ژنده‌پیل، معانی ثانوی جملات پس از ندا، فرآیندهای زبانی.

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)،

mehdiazarhazin@gmail.com

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی،

miladifereshteh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

۱. مقدمه

جملات ندایی یکی از انواع ساختارهای دستوری هستند که با توجه به نوع کاربرد و نیز بافت متنی به کاررفته در آن، می‌توانند تأثیر بلاغی خاص خود را داشته باشند. حسّی کردن کلام و به کاربردن منادا همگی از نشانه‌های فضاسازی و تمهید مقدمه برای بیان مطلبی است که نمی‌توان آن را در قالب جملات سرد خبری ریخت. اساساً عنصر خطاب، زبان نوشتاری را به زبان گفتاری نزدیک می‌کند و سبب دل‌نشینی کلام می‌شود. در تبدیل هر گونه زبان نوشتاری به زبان گفتاری، به‌طور قطع خطاب وجود دارد (لاینز، ۱۳۲۸: ۳۲۸). گوینده از کلام خطابی بهره می‌گیرد تا مخاطب خویش را به صورتی پویا به سوی جریان عمل، هدایت کند.

نظریه «نظم کلام» عبدالقاهر جرجانی بر ارتباط نحو و معنا، توجّه به نقش گوینده و شنونده در شکل‌گیری کلام، به‌ویژه تأثیر آرایش واژگانی در خلق معنا تأکید دارد. معیار برتری گوینده‌ای بر گوینده دیگر، میزان مهارت گوینده در تشخیص جایگاه درست واژگان در بافت کلام است. نظمی که عبدالقاهر از آن سخن می‌گوید، نظمی است که در ورای آن، قصد و اراده گوینده را ببینیم و در سامان دادنش فکر و اندیشه‌ای به کار رفته باشد. این نظریه با زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی مشترکات و تشابهات زیادی دارد. هر دو گروه، بلاغت را در ساختار دستوری جمله و بافت کلام جستجو می‌کنند (سیدقاسم، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

هلیدی زبان را به عنوان یک سیستم و متأثر از شرایط بیرونی تاریخی و اجتماعی می‌داند و از آن با نام «بافت» نام می‌برد. وی در مورد نقش دو نظر دارد: یکی نقش‌های دستوری و دیگری نقش‌های زبانی. از نظر او ساختار زبان تحت تأثیر نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج برعهده دارد. نقش‌هایی که متعدد هستند و نقش‌های اصلی را با عنوان فرانش از سایر نقش‌ها متمایز می‌کند (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۰-۲۰).

معانی ثانوی مورد نظر در این پژوهش، معانی حاصل از جملات بعد از ندا و گاه منادا است. به طور کلی، حروف ندا و منادا، می‌توانند در القای معنای ثانوی کلام مؤثر واقع شوند؛ هرچند این معنای ثانوی مورد نظر، حاصل از بافت کلام است؛ اما برای القای بهتر در قالب جملاتی ندایی قرار می‌گیرند تا بر بلاغت آن‌ها افزوده شود. به طور خاص نیز، در متون مورد پژوهش، برخی از حروف ندا و نیز ساختار جملات ندایی وجود دارند که با

توجه به بسامد آن‌ها می‌توان مدعی شد که هدف نویسنده از کاربرد ویژه آن‌ها، القای بهتر معانی ثانویه مورد نظر بوده است. ندا و ساختار جملات ندایی همانند جملات پرسشی و امری و غیره، یک قالب برای بیان معنای متن است. این ساختار چونان ابزاری در متن می‌تواند در خدمت القای معنای ثانوی عمل کند؛ بنابراین هنگامی که می‌گوییم معانی ثانوی جملات ندایی، این معنا برخاسته از کل متن و بافت کلام است که در قالب این جملات به نحو بلیغی ارائه و القا می‌شود. با توجه به این رویکرد پرسش اصلی پژوهش اینگونه مطرح شده است:

- چه رابطه‌ای میان معانی ثانوی کلام در جملات پس از حروف ندا و شیوه به-کارگیری فرآیندهای زبانی در بافت متنی «اسرارالتوحید» و «مقامات ژنده‌پیل» وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

مریم عرب (۱۳۹۱) در مقاله «بلاغت نشر صوفیانه خطابی در تمهیدات عین‌القضات»، محبوبه شمشیرگرها (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «عنصر خطاب در غزل سعدی» و حسین آقا حسینی (۱۳۹۳) با مقاله «جایگاه ندا و منادا در دستور زبان فارسی و علم معانی» به ترتیب از تأثیر منادا در مشارکت خواننده و حضور وی در متن، ایجاد انگیزش، تحرک و در نهایت، تقسیم‌بندی منظم انواع ندا در دستور و معانی ثانوی و مقاصد بلاغی خود منادا - به عنوان یک شبه‌جمله و جمله مستقل - سخن گفته‌اند؛ اما هیچ کدام، از این بُعد به این موضوع توجه نکرده‌اند که نشانه‌های ندایی در کنار جملات پس از منادا در بافت متنی کلام می‌توانند به القای بهتر معنای ثانوی جملات کمک کنند. علاوه بر این وجه تمایز اصلی این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده در رویکرد اتخاذ شده است. از دیدگاه نگارندگان این پژوهش طرح مباحث تازه همواره سودمند بوده و بر خلاف نظر برخی از افرادی که به نفی تحلیل متون کلاسیک با ابزار نظریه‌های مدرن می‌پردازند، اعتقاد دارند که نمی‌توان نقش این معیارها و نظریه‌های امروزی را در «نظام‌مندتر کردن» و «منسجم‌تر کردن» مباحث قدمایی انکار کرد و به عبارتی:

برای بهره‌گیری از نظریه‌های مدرن در بازنگری مباحث قدمایی، باید به میزان کارایی این نظریه‌ها در به رسمیت شناختن ذهنیت مخاطب، ارائه پیش‌ظرف‌های لازم برای فهم

عوامل تأثیرگذاری ژانرهای مدرن، شناخت کارکرد صناعات بلاغی و ... توجه داشت (برای توضیح بیشتر رک: عمارتی مقدم، ۱۳۹۶: ۴۶).

۳. روش پژوهش

در این پژوهش سعی شده است عنصر ندا و جملات پس از آن از دیدگاه علم معانی به-ویژه شیوه عبدالقاهر جرجانی در نظریه نظم کلام و رویکرد نقشگرایی هلیدی در دانش دستور، در دو بخش تحلیل شود؛ در بخش نخست، کاربرد تمام نشانه‌های ندا و بهره‌گیری از این عنصر به عنوان یک امکان زبانی و ابزار معانی برای دستیابی به بلاغت بیشتر در اسرارالتوحید و در بخش دوم، فعل‌های جملات پس از ندا براساس فرآیندهای ششگانه هلیدی با هدف کشف رابطه میان نوع و بسامد افعال این بخش با موضوع آن، تحلیل شده تا مشخص شود خطاب‌کننده، پس از نشانه خطاب، برای بیان اهداف تعلیمی خود از کدام یک از فرآیندهای زبانی بهره گرفته و هر یک از معانی ثانوی حاصل از خطاب از طریق کدام یک از انواع فرآیندهای زبانی مورد بازنمایی قرار گرفته و به مخاطب القا شده‌است. در نهایت نیز، این نتایج با داده‌های مشابه در «مقامات ژنده پیل» مقایسه شده است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و آمار و داده‌ها با هدف نشان‌دادن تنوع جملات، ساختارهای نحوی، مخاطبان و فرآیندهای زبانی به صورت جدول و نمودار ارائه شده است.

۴. مبانی نظری پژوهش

۱.۴ منادا و جایگاه آن در دستور زبان فارسی

منادا اسمی است که مورد ندا قرار می‌گیرد و نشانه لفظی آن، صوت یا پسوند نداست. منادا یکی از مباحث دستور زبان است که در کتاب‌های دستور گاهی به عنوان یکی از نقش‌هایی که اسم می‌پذیرد (انوری و گیوی، ۱۳۷۵: ۱۲۰) و (قریب و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۴) و گاه در بحث اصوات یا شبه‌جمله‌ها (خانلری، ۱۳۸۲: ۷۷) و (شریعت، ۱۳۷۵: ۳۳۱) و گاه در مبحث حروف (خیامپور، ۱۳۸۴: ۱۲۶) آمده است. در بسیاری از کتب بلاغت، جملات ندایی برای طلب اقبال و توجه مخاطب تعریف شده و مثال‌هایی برای ندا با حروف مختلف آورده‌اند. ندا گاهی مقاصد و اغراض بلاغی خاصی دارد که در کتاب‌هایی از قبیل

التلخیص، مطول، مختصر، هنجار گفتار، معالم البلاغه و درالادب از این معانی ثانوی با تعبیرهای «تستعمل صیغه فی غیر معناه» (قزوینی، ۱۳۵۰: ۱۷۲) یاد شده و در کتاب‌هایی نظیر طراز سخن، معانی و بیان علوی مقدم و اشرف‌زاده این‌گونه آمده است که «در ندا گاه مقاصد بلاغی و اغراض خاصی دیده می‌شود» (صادقیان، ۱۳۸۲: ۱۱۴) و مانند سایر اقسام جمله برای بافت کلام جملات پس از ندا، معانی مجازی و مقاصد ثانویّه مختلفی مثل بیان تحسّر و اندوه، بیان تعجب و ملامت ذکر کرده‌اند.^۱ شمیسا در ذیل بحث جمله‌های انشایی گفته است با حرف ندا، توجه مخاطب را طلب می‌کنیم و ندا در همه جملات دیده می‌شود؛ اما ندا معمولاً در جملات پرسشی و امری ست» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۳۶). «جایگاه جملات طلبی از جمله ندا در بلاغت، علم معانی و بخش انشاست که معنی اصلی و فرعی ندا مورد بحث قرار می‌گیرد. اما در زبان شناسی، علم کاربرد شناسی، در بخش کنش‌های گفتاری به این امر می‌پردازد.» (قربان‌خانی و ابن‌الرسول، ۱۳۹۱: ۶۴۱)

منادا معمولاً به دو صورت ۱. بی‌نشانه و با تغییر آهنگ ۲. با نشانه به کار می‌رود (مدرّسی، ۱۳۸۶: ۳۵۵) صوت‌های ندا عبارتند از: ای، یا، ایا و پسوند «ا» مانند: ای مرد! یا رب! (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۲۴۳). زبان‌شناسان جملات ندایی را زیرمجموعه عبارات بیانی قرار می‌دهند (قربان‌خانی و ابن‌الرسول، ۱۳۹۱: ۶۳۴) ندا از منظر علم زبان‌شناسی برای بیان احساسات گوینده به کار می‌رود. زبان‌شناسان معتقدند هر زبان برای بیان احساسات درونی اعم از حیرت، حسرت، تأسّف، تحسین، تحقیر، ترس، آرزو، انزجار، شک و تردید، تعجب و غیره دو وسیله در اختیار دارد:

۱. استفاده از اصوات و کلمات فاقد معنای لغوی مانند: آه، آو، آخ و وه!
۲. استفاده از الفاظ دارای معانی مشخص و نمودار احساسات مانند: آفرین! احسنت! بارک‌الله! خوشا! دریغا! و غیره (شفایبی، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

عبارات ندایی در سایر وجوه (اعم از خبری و انشایی) رخ می‌دهد و به عنوان یک وجه متمایز به خودی خود، به حساب نمی‌آید. گوینده در هنگام بیان این جملات با شدت یا تأکید و یا با حرارت و سریع، موافقت، شوق، لذت، درد، تعجب، عصبانیت، تهییج و احساساتی از این قبیل را بیان می‌کند. (قربان‌خانی و ابن‌الرسول، ۱۳۹۱: ۶۳۴)

۲.۴ فرانش اندیشگانی: بازنمایی الگوهای تجربه در قالب فرآیندها

در دستور نقش‌گرا فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرآیندها و از طریق فرانش اندیشگانی در زبان، بازنمایی می‌شوند؛ از این رو با بررسی فرآیندهای موجود در جملات و افعال آنها و در نهایت تعیین بسامد هر یک از انواع آنها، می‌توان از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. سازوکار بیان فرانش اندیشگانی و تجربی در زبان «نظام‌گذاری» است. از نظر هیلدی زبان دارای نقش و کارکردهای مختلف در جامعه و پدیده‌های اجتماعی است؛ از این رو رویکرد نقش‌گرایی سعی دارد هم خود زبان را به‌طور ذاتی توضیح دهد و هم رابطه آن را با ساختارهایی چون فرهنگ و جامعه بیان کند (لیچ، ۱۹۸۸: ۷۶). هیلدی برای زبان، نقش‌ها و معناها را در نظر می‌گیرد: نقش اندیشگانی، نقش بینافردی، نقش متنی. وی به وجود شش فرآیند در زبان قائل است (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۲):

- فرآیند مادی: هرگونه اعمال فیزیکی که بر انجام‌دادن کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت داشته باشد.
- فرآیند ذهنی: فرآیندی که بر احساس، ادراک و اندیشه دلالت دارد.
- فرآیند رابطه‌ای: در این فرآیند از چگونگی اشیا و پدیده‌ها و روابط میان آنها سخن می‌رود؛ نسبت دادن ویژگی یا داشتن حالتی به کسی یا چیزی.
- فرآیند رفتاری: هر نوع رفتار جسمی و روانی انسان یا هر موجود جاندار دیگر؛ افعالی نظیر خندیدن، گریستن و آوازخواندن.
- فرآیند کلامی: عبارت است از هر نوع کنشی که از نوع «گفتن» باشد؛ مانند: توضیح دادن، دستور دادن، پرسیدن (همان: ۴۴۵).
- فرآیند وجودی: درباره بودن یا نبودن چیزی یا کسی یا پدیده‌ای سخن می‌گوید؛ افعالی شامل بودن، وجود داشتن و ظاهر شدن است (نک: پهلوان نژاد و زمردیان، ۱۳۸۳: ۶۳).

هیلدی بر این باور است که با تغییر موضوع، متن، نوع و میزان فراوانی فرآیندهای به‌کار رفته در آن نیز تغییر می‌کند؛ برای مثال، فرآیندهای کلامی در متون مربوط به خبررسانی و فرآیندهای مادی در متونی که دستورالعمل کاری را افزایش می‌دهند، وجه غالب به‌شمار می‌روند (همان: ۱۷۴).

۳.۴ انواع مخاطبان در بافت متنی گفتمان تعلیمی - صوفیانه اسرارالتوحید

در ساختار متنی گفتمان تعلیمی اسرارالتوحید دو گروه متفاوت از مخاطبان را می‌توان در نظر گرفت. او به طور کلی با دو گروه «خواص و عوام» مواجه است. گروه عوام اغلب از میان مردم عادی و طبقات مختلف اجتماعی بودند که اغلب در مجالس شیخ حضور پیدا می‌کردند و بنا به اقتضای آگاهی و درک خود از مسائل تصوف، بیشتر از ظاهر کلام ابوسعید بهره می‌گرفتند. گروه مخاطبان خاص در دو دسته جای می‌گیرند: گروه نخست صوفیان و مریدانی بودند که از پیروان همیشگی شیخ به شمار می‌رفتند و حقیقت کلام او را به خوبی درک می‌کردند. گروهی دیگر افراد غیرصوفی بودند که هرچند تمام معانی کلام شیخ را در نمی‌یافتند، با این حال همواره ملازم شیخ و تابع اوامر وی بودند (نک: حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶).

۵. بحث و تحلیل داده‌ها

۱.۵ انواع منادا در بافت متنی گفتمان تعلیمی - صوفیانه اسرارالتوحید

خطاب از اقتضائات سخنوری و از ویژگی‌های نثر صوفیانه است. در آثار تعلیمی - صوفیانه از جمله «اسرارالتوحید» کاربرد انگیزشی کلام تشخیص می‌یابد و به همین جهت، مخاطب، اهمیت دارد. ابوسعید در مجالس سخنرانی خود و نیز در گفت‌وگوهای معمولش از عنصر خطاب بهره بسیار برده است. کاربرد «منادا» در کتاب اسرارالتوحید به شیوه‌های مختلفی مشاهده می‌شود. بعد از برخی حروف ندا در کلام، معانی ثانویه خاصی از جمله بعد از ندا و منادا قابل استنباط است. با مشاهده بسامد و نوع به‌کارگیری این حروف ندا، می‌توان گفت که نویسنده برای القای بهتر برخی معانی ثانوی کلام خود، از این امکان زبانی اینگونه بهره برده است:

- نشانه ندایی «ای»: این نشانه ندایی گسترده‌ترین و بیشترین کاربرد را در اسرارالتوحید دارد؛ به طوری که از مجموع ۳۳۴ جمله ندایی، ۱۹۸ مورد با این نشانه همراه است. از آنجایی که خطاب عمومی صوفیه به یکدیگر بدون هیچ گونه رعایت درجات افراد «ای اخی» بوده است (محمدبن منور، ۱۳۸۹: ۶۰۲) می‌توان دریافت که نشانه «ای» در میان متصوفه، عمومیت داشته است:

- در اغلب موارد برای خطاب های معمول و خشی به کار می‌رود:

- - شیخ گفت: ای حسن! هرگز هیچ کس در کار خدای زیان نکرده است (همان: ۱۰۸).
- - گاهی هدف آن خطاب نیست:
- - چون شیخ با جمع بدو بگذشتند، آن پیر قصاب با خود گفت: «ای مادر و زن اینها! مشتی افسوس خواره‌اند! سر و گردن ایشان نگر چون دنبهٔ علفی!» (همان: ۱۱۷)
- - شیخ ما را پرسیدند، در سرخس، که ظریف کیست؟ گفت: در شهر شما لقمان. گفتند: ای سبحان الله! در شهر ما هیچ کس از او بشولیده‌تر نیست و شوخگن‌تر (همان: ۱۹۹).
- - در مواردی هم برای مناداهایی به کار رفته که در جملهٔ بعد تکریم شده‌اند: [آن رهگذر شیخ ما را] گفت: ای شیخ! سخن من سمع مبارک شما را نشاید (همان: ۵۲).
- - گاهی برای تحذیر به کار می‌رود:
- - شیخ ما گفت: ای مسلمانان! تا کی از من و من؟ شرم دارید (همان: ۳۰۲).
- - نشانهٔ ندایی «الف»: این نشانهٔ ندایی ۶ بار آن هم فقط در خطاب به خداوند به‌کار رفته‌است:
- - [بایزید گفت]: زمین‌ها باشد که به حق تعالی بنالد که بارخدا یا! ولیی از اولیاء خود به من نمای (همان: ۲۵۳).
- - نشانهٔ «هلا»: این نشانهٔ ندایی فقط در دو مورد به کار رفته است:
- - هروقت مادرش او را کاری فرمودی گفتی: «هلا دوست دادا! فلان کار بکن.» (همان: ۳۵۳).
- - [دادا] سبویی به [پسرش] بوسعد، داد و گفت: هلا دوست دادا! سبویی آب آر تا از جهت شیخ و صوفیان چیزی سازم (همان: ۳۵۳).
- - نشانهٔ ندایی «یا»: محمدبن منور، ۱۰۵ بار از این نشانه بهره‌گرفته‌است. این نشانهٔ ندایی بیشتر برای مناداهایی به‌کار رفته‌است که مورد تکریم هستند. جملات پس از ندا مؤید این سخن هستند:
- - [رسول اسلام(ص)] مرا گفت: درجهٔ شیخ بوسعید می‌طلبی؟ گفتم: بلی یا رسول الله (همان: ۱۰۵)!

- - گفت: نه، یا شیخ! اگر دنیا نبود، قدم مبارک شما اینجا نرسیدی (همان: ۲۳۱).

- - نشانه «أَيُّهَا»: این نشانه در کتاب اسرارالتوحید ۵ بار آمده است. محمدبن منور برای منادای «الشیخ»، از نشانه ندای عربی «أَيُّهَا» بهره می‌گیرد. این نشانه ندا برای مناداهایی می‌آید که مورد احترام سخنور هستند:

- شیخ ما را یکی از پیران گفت: ... أَيُّهَا الشَّيْخُ! چه کنیم تا ازین نفس برهیم (همان: ۲۷۵)

- منادای بی‌نشانه: مناداهایی نیز مشاهده می‌شود که بدون هیچ نشانه‌ای در نوشتار و فقط با تغییر آهنگ در گفتار، مورد خطاب قرار می‌گیرند. محمدبن منور، ۱۸ بار چنین مناداهایی در کتاب خود آورده است. در این اثر، مناداهایی که تشریفات رسمی در مورد آنها رعایت نشده، اینگونه آمده‌اند:

- شیخ [به محتسبی که به جامه شوی ستم‌کرده بود] گفت: خواجه محتسب! چه باید کرد؟ (همان: ۱۲۶).

- - شیخ ما [به همسر دوش] گفتی: فقیره! چگونه‌ای (همان: ۱۳۷)

جدول ۱. تنوع جملات، مخاطبان و فرآیندهای زبانی در ساختار جملات بعد از خطاب اسرارالتوحید

ردیف	نوع جمله	نوع فرآیند	مخاطب / مشارکان فرآیند	مصادر فعلی
۱	امری	مادی	مرد/ انکار/ دل	بیرون کردن
		ذهنی	مسلمانان / خداوند	دانستن
		رابطه‌ای	درویش	بودن
۲	خبری	رابطه‌ای	مردمان / خواست خداوند	بودن
		وجودی	مرد / کار / قفا	بودن
		مادی	جوانمرد / ما	افتادن
۳	پرسشی	ذهنی	حسن مؤدب	دیدن
		کلامی	مسلمانان / انائیت	گفتن
		مادی	شیخ / خواجه محتسب	کردن ^۲

- در این جدول انواع جملات از نظر «وجه»، انواع «فرایندها» و همچنین انواع «مخاطبان» در بافت متنی جملات بعداز «ندا» در اسرالتوحید نشان داده شده است. بر اساس اطلاعات این جدول «تنوع» در هر سه موضوع مورد بحث مشاهده می‌شود و این امر حاکی از آن است که محمدبن منور از این امکان زبانی در جهت پیشبرد جریان روایت بهره گرفته و آن را به مخاطبان خاص یا نوع خاصی از جملات محدود نکرده است.

۲.۵ انواع منادا در بافت متنی مقامات ژنده‌پیل

- نشانه ندای «ای»: محمد غزنوی از مجموع ۹۱ جمله ندایی خود، ۴۲ جمله را با نشانه «ای» آورده است که بیشترین جملات ندایی این کتاب در این گروه جای می‌گیرند. در این اثر، این نشانه ندا عمومیت دارد:
- غالباً برای خطاب‌های معمولی و خستی از لحاظ ارزشی به کار می‌رود: پدر و مادر او گفتند: ای احمد! ترا چه بوده است ... (غزنوی، ۱۳۸۸: ۱۸۷)
- در مواردی نیز جنبه تحذیر و تنبیه دارد: سلطان گفت: ای کنیزک! اگر این سیر آشکارا بکنی، ... ترا هلاک می‌کنم (همان: ۳۷).
- گاهی برای نشان‌دادن صمیمیت می‌آید: شیخ‌الاسلام ... گفت: ای سید عزیز! حق تعالی جان فرزند ترا در کار تو کرد (همان: ۵۴).
- نشانه «یا»: در این کتاب، ۳۴ جمله از مجموع ۹۱ جمله ندایی با نشانه «یا» همراه است. این نشانه برای بیان مقاصد مختلفی به کاررفته است:
- برای خطاب به ذات باری تعالی: تقریباً در تمام مواردی که در کتاب مقامات ژنده‌پیل کلمه منادا واژه «رب» بوده است، نشانه ندای «یا» به کاررفته است: گفتم: یا رب! اگر شیخ‌الاسلام احمد را بنزدیک تو بازاریست و او از جمله اولیاست، این آستینم را نگاه دار (همان: ۱۱۹).
- برای خطاب به پیامبر گرامی اسلام (ص): گفتم یا رسول الله! دست به سینه من فرود آر (همان: ۱۸۴).
- جهت خطاب احترام‌آمیز به شخصیت‌ها:

- سلطان سنجر گفت: یا شیخ! دست باز دار که حشم رفتند (همان: ۳۸).
- گاهی نیز برای تحقیر و سرزنش به کار می‌رود:
 - [رشیدالدین بوسعید] گفت: یا شیخ! این چه شید است که برآورده‌ای (همان: ۴۷).
 - نشانه ندای «ایا»: در «مقامات ژنده‌پیل» فقط یک بار نشانه ندای «ایا» به کار رفته است:
 - به خاطر من فروداندند که ایا احمد! تو نیکو رونده‌ای باشی در راه حق (همان: ۳۰).
 - «الف» به عنوان نشانه ندا: این نشانه ندایی فقط در مورد خداوند، ۷ بار در واژه «خداوندا» و یک بار در کلمه «بارخدا یا» به کار رفته است:
 - روی بر زمین نهادم و مناجات کردم که خداوندا! تو می‌دانی که من نمی‌دانم که این آواز که شنیدم، رحمانیست یا شیطانی. مبدا که مکر باشد از آن شیطان (همان: ۴۳).
 - سدیدالدین محمد غزنوی در ۶ مورد، مخاطبش را بدون هیچ نشانه نوشتاری خطاب کرده است. از جمله:
 - برای مناداهایی که چندان ارج و جایگاهی ندارند:
 - [رشیدالدین بوسعید] گفت: درویش! عجب سخن بلند می‌گویی (همان: ۴۸).
 - برای مناداهایی که مخاطبش توییخ می‌شود:
 - روزی در خاطر من دادند که احمد! راه حق چنین نروند که تو می‌روی (همان: ۳۰).
 - برای بیان صمیمیت:
 - بسرّ من فرو دادند که احمد! فرق یافتی میان اسلام خود و کفر او (همان: ۴۱)

جدول ۲: تنوع جملات، مخاطبان و فرآیندهای زبانی در جملات بعد از خطاب در مقامات ژنده‌پیل

ردیف	نوع جمله	نوع فرآیند	مخاطب/ مشارکان فرآیند	مصادر فعلی
۱	امری	مادی	طالب آب / چشمه	رفتن
		ذهنی	مردمان	دانستن
۲	خبری	رابطه‌ای	تو / نیکو رونده	بودن
		مادی	تو / راه حق	رفتن
۳	پرسشی	مادی	شما / جوال	کردن
		ذهنی	شما /	ندانستن ^۳

- در این جدول نیز با هدف مقایسه دو اثر مورد بحث، جملات از نظر «وجه»، انواع «فرآیندها» و همچنین انواع «مخاطبان» در بافت متنی جملات بعداز «ندا» در مقامات ژنده‌پیل ارائه شده است. بر اساس اطلاعات این جدول نیز مشخص شد که «تنوع» در هر سه موضوع مورد بحث مشاهده می‌شود و این امر حاکی از آن است که غزنوی نیز مانند محمد بن منور از این امکان زبانی در جهت پیشبرد جریان روایت بهره گرفته و آن را به مخاطبان خاص یا نوع خاصی از جملات محدود نکرده است.

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶ مقایسه کاربرد انواع نقش‌نمای ندا در اسرارالتوحید و مقامات ژنده‌پیل

منادا با نقش‌نمای «ای» در هر دو کتاب اسرارالتوحید و مقامات ژنده‌پیل بیشترین کاربرد را دارد. نقش‌نمای «ای» تقریباً در هر دو اثر، برای موارد مشابه و تقریباً موضوعات معمول و رایج به کار رفته است. جملات پس از ندا با نقش‌نمای «یا» در اسرارالتوحید، غالباً برای تکریم و تخییم مخاطب به کار رفته است. این نقش‌نمای ندایی در مقامات ژنده‌پیل نیز کم و بیش چنین کاربردی دارد؛ اما نویسنده به اندازه محمد بن منور، ذهن دقیق و منظمی نداشته و این ظرافت‌ها کمتر مورد نظر او بوده است. نقش‌نمای «الف» در هر دو اثر فقط برای خداوند استفاده شده است. در بافت متنی جملات پس از منادای بی‌نشانه در هر دو کتاب بیشتر برای تحقیر و توبیخ مورد ندا، به کار رفته و در موارد اندکی هم نشان‌دهنده صمیمیت و رابطه عاطفی است؛ البته این مرزبندی در اسرارالتوحید با وسواس بیشتری رعایت شده است. مؤلف «اسرارالتوحید» علاوه بر نشانه‌های یاد شده، از «هلا»، «هان» و «ایها» نیز جهت بیان ندا بهره برده است. سدیدالدین محمد غزنوی به جای این نشانه‌ها یک‌بار از «ایا» کمک گرفته است. در هر دو کتاب، نشانه «هان» در کنار «ای» قرار گرفته و گویا هدف، تأکید منادا است. به طور کلی شمار جملات ندایی در اسرارالتوحید بسیار بیشتر از مقامات ژنده‌پیل است. این امر نشان می‌دهد که زبان اسرارالتوحید صمیمانه‌تر است؛ زیرا زبان جملات ندایی به زبان گفتار نزدیک‌تر است و زبان گفتار صمیمیت بیشتری دارد.

۲.۶ بررسی بسامد فرآیندهای زبانی در جملات پس از ندا در اسرارالتوحید

از مجموع ۲۲۹ جمله پس از ندا در اسرارالتوحید، بالاترین بسامد (۸۱ مورد) مربوط به «فرآیندهای مادی» از مصادر مختلف فعلی است. این فرآیندها گاه در ساختار جملات امری و گاه نیز در ساختار جملات خبری و پرسشی مطرح شده‌اند. مشارک «کنشگر» در این فرآیندها اغلب اشخاصی هستند که به عنوان مخاطب خاص و شناخته‌شده، از طریق اسامی شخصی مورد بازنمایی قرار گرفته‌اند. اغلب مصادر فعلی که در این جملات به کار رفته‌اند از نوع «گشتن»، «طلب کردن»، «رفتن»، «یافتن» و امثال این موارد هستند که به نظر می‌رسد این شیوه کاربرد و گزینش افعال، تحت تأثیر تلاش و تکاپوی پیروان تصوف در مسیر سلوک و طریقت قرار دارد. از سوی دیگر بسامد چشمگیر فرآیندهای مادی در گفتمان تعلیمی، نشان‌دهنده هدف ایدئولوژیکی گفتمان و ابلاغ کنش‌های مختلف به مخاطب و در نهایت ترغیب وی به انجام کنش‌های مورد نظر است:

- [حسن مؤدب] گفت: ای شیخ! همه شهر بگشتم... (محمدبن منور، ۱۳۸۹: ۲۳۱).

- یحیی گفت: یا شیخ! رفتیم و شدیم و دیدیم و یافتیم و یار آنجا نه! (همان: ۱۵۲).

پس از فرآیندهای مادی، «فرآیندهای رابطه‌ای» با بسامد «۶۲ مورد» به کار رفته‌اند. این فرآیندها نیز در ساختار جملات مختلف و اغلب از طریق مصادر «بودن و شدن» مطرح شده‌اند. این فرآیندها در موارد بسیار در جهت «توصیف و تبیین اندیشه صوفیانه گوینده» و «بیان ویژگی‌های افراد مختلف» به کار رفته‌اند. با توجه به این که در اسرارالتوحید مخاطبان مختلفی مورد خطاب هستند، به اقتضای سطح آگاهی و ادراک هر یک از این افراد، زبانی ساده و قابل فهم به کار رفته است. یکی از پیامدهای عام بودن مخاطبان و همچنین صوفیانی که در نخستین مراحل سیر و سلوک قرار دارند، بسامد بالای «تشبیه» است که نشان از تلاش گوینده برای ابلاغ اندیشه صوفیانه خود و توسل به سازوکارهای مختلف بیانی دارد؛ بسامد قابل توجه فرآیندهای رابطه‌ای از نتایج این رویکرد است:

- چون شیخ با جمع بدو بگذشتند، آن پیر قصاب با خود گفت: «ای مادر و زن اینها!

مشتی افسوس خواره‌اند! سر و گردن ایشان نگر چون دنبه علفی!» (همان: ۱۱۷).

- [سری سقطی] گفت: ای جنید! آتش از باد تیزتر شود (همان: ۲۴۹).

در مرتبه بعد «فرآیندهای ذهنی»، با بسامد «۳۲ مورد» وجود دارند. این فرآیندها که اغلب از مصادر «دیدن و دانستن» هستند، به طور کامل در جهت ترغیب صوفیان به تکاپوی

ذهنی و گاه نیز، از بین بردن تصورات نادرست آنها مطرح شده‌اند. مشارک اصلی در این فرآیندها گاه افرادی هستند که از طریق اسامی خاص مورد بازنمایی قرار گرفته‌اند و گاه نیز، طبقه خاصی هستند که با عناوین کلی «درویش و صوفی» خطاب شده‌اند.

- پیر بلفضل [درباره لقمان سرخسی به شیخ ابوسعید] گفت: یا با سعید! منزلت این مرد می‌بینی در گاه؟ (همان: ۲۷).

- شیخ ما... گفت: ای درویش! تو ندانی که هر که ور ما سلام کند از بهر او کند (همان: ۲۳۴).

«فرآیندهای رفتاری» نیز با بسامد «۲۴ مورد» در جملات پس از ندای اسرارالتوحید آمده است. افعال رفتاری، بیانگر حالات و انفعالات روحی و رفتارهای جسمی است. با این افعال تصویر گویاتری از رنج‌ها و شادی‌ها و آرزوها و چشم‌داشت‌ها و قهر و مهر شخصیت‌ها در محیط صوفیانه متن مورد نظر ترسیم شده است:

- شیخ [به آرزوی آن پیرزن که دل خوشی خواسته بود] بخندید. (همان: ۲۱۶)

«فرآیندهای کلامی» با بسامد «۲۰ مورد» در جمله‌های ندایی اسرارالتوحید آمده است. این نوع فعل‌ها گرچه پرشمار نیستند، بیانگر فضای چند صدایی در این متن عرفانی است؛ زیرا گوینده فقط ابوسعید ابوالخیر نیست و به مناسبت، شخصیت‌های گوناگون با نگرش‌ها و بینش‌ها و اندیشه‌های متفاوت در گفت‌وگو حاضرند و به کلام تحرک و تنوع می‌بخشند:

- پس بلقسم بشر ما را گفت: یا باسعید! این کلمات یاد گیر و پیوسته می‌گوی: سُبْحَانَکَ و ... (همان: ۱۸).

آخرین فرآیند در جملات ندایی این اثر، فرآیند وجودی است با «۱۰ مورد». در فرآیند وجودی یک مشارک مطرح است به نام «موجود». از آن جایی که اسرارالتوحید، متنی صوفیانه است و ابوسعید، در میان صوفیان، جایگاه بی‌بدیلی دارد، طبیعی است که پایین‌ترین بسامد افعال، از نوع وجودی باشد؛ زیرا موجودیت و انانیت، با نفی خودبینی و محو نفس سازگار نیست. همین امر، کفه ترازوی متن را به نفع تصوف و ترک تکلف، سنگین می‌کند؛ حتی در همین موارد اندک نیز اگر از موجودیت سخن می‌رود، وجودی است که هست خود را به هستی مطلق پیوند زده و از هرچه غیر «او» تهی شده:

- شیخ ما را پرسیدند که: ای شیخ! مردان او در مسجد باشند؟ (همان: ۲۸۴)

همان‌طور که در این مثال آمده، منظور از «بودن» در این جا، حضور مدعیانه نیست.

۳.۶ گستره‌ها و روش‌های تأکید در جملات پس از خطاب در اسرارالتوحید

در بافت متنی اسرارالتوحید در برخی از موارد نیز، در جملات پس از خطاب، برای ابلاغ مفاهیم تعلیمی و ایدئولوژیکی، از انواع روش‌های تأکید بهره گرفته شده‌است. با مطالعه جملات مورد نظر مشخص شد که «خداوند» پرکاربردترین گستره مورد تأکید در گفتمان است و در مواردی که «منادای جمع و عام» وجود دارد، مطرح شده است. این روش گاه از طریق کاربرد ادات تأکید از قبیل «هرگز، هیچ، همه و غیره» و گاه نیز با استفاده از تقدیم و تأخیر در ارکان دستوری و نشان‌دار کردن جملات انجام شده است و آنچه در آغاز قرار می‌گیرد به عنوان اطلاعی مهم برای مخاطب بیان می‌شود. علاوه بر این شیوه‌ها، گاه نیز نوع چینشی که در جملات وجود دارد باعث تأکید شده است؛ به این معنا که با استفاده از جملات خبری در ادامه جملات امری در یک بند معنایی و موضوع خاص، توجه مخاطب را به گفته خود جلب می‌کند و با هر بار بیان کردن آن به شیوه‌های متفاوت، اهمیت آن را به مخاطب نشان می‌دهد. در این شیوه بیانی، فرآیندهای رابطه‌ای، چشمگیرترین بسامد را در بین فرآیندها دارند.

- شیخ گفت: ای حسن! هرگز هیچ کس در کار خدای زیان نکرده است (محمد بن منور، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

- شیخ ما گفت: «ای مسلمانان! بحقیقت بدانید که وی بارتان بنخواهد گذاشت» (همان: ۳۰۰).

- شیخ گفت: ای مردمان! امسال همه آن خواهد بود که خدای خواهد (همان: ۲۶۸).
«تکرار ساختار نحوی جملات» نیز، یکی دیگر از نمودهای تأکید در کلام میهنی است. شیوه چینش اجزای جملات در کنار یکدیگر، علاوه بر کارکردهای ایدئولوژیکی که نویسنده در پی آنهاست، گاه نیز از طریق آهنگین ساختن کلام و تکرار ساختار آن ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

- شیخ رو به قاضی صاعد [که از منکران شیخ بود] کرد و گفت: ای قاضی! مردار سگان را و سگان مردار را (همان: ۱۰۳).

«نشان‌دار کردن جملات از طریق قرار دادن فعل در آغاز جمله» یکی دیگر از شگردهای تأکید در کلام میهنی است. بسامد بالای افعال امر نشان از قطعیت کلام دارند و

علت آن تعلیمی بودن بافت متنی گفتمان است. هشدار و تعلیم باعث می‌شود که نویسنده با لحنی آمرانه به ترغیب یا منع مخاطب از انجام دادن آن اقدام کند:

- برگیر و تفرقه کن در میان متقاضیان. (همان: ۹۶)

- مکنید که این کارها را روزی است که همه قلابان را... بردار سیاست کنند. (همان: ۲۳)

- شیخ ما [به درویشی که خانقاه را می‌رُفت] گفت: یا اخی! چون گوی باش در پیش جاروب چون کوهی مباش در پس جاروب (همان: ۲۷۴).



۴.۶ ارتباط معانی ثانویه کلام و شیوه کاربرد فرآیندهای زبانی در جملات پس از ندا در اسرارالتوحید

در بافت متنی گفتمان تعلیمی - صوفیانه اسرارالتوحید با توجه به این که منادا در خطاب به مخاطبان مختلف به کار رفته است، به اقتضای موضوع، هدف کلام و در نهایت رابطه‌ای که میان گوینده و مخاطب وجود دارد، معانی ثانویه مختلفی به خواننده القا می‌شود. این حالات نسبت به هر یک از مخاطبان متفاوت است؛ به این معنا که شیخ هرگاه خطاب به مخاطبان جمع و عام - مانند مردمان و مسلمانان - سخن می‌گوید معنای «هشدار و اندرز» از فحوای کلام او درک می‌شود. این در حالی است که نسبت به کسانی که حالت انکار نسبت به شیخ دارند، معنای «تحقیر و سرزنش» به مخاطب انتقال پیدا می‌کند. این شیوه بیانی نسبت به

افراد خاصی مانند بوسعد، حسن مؤدب و گروهی از صوفیه که پیروان شیخ هستند، در قالب معنای ثانویه صمیمیت و بزرگداشت، متفاوت است. نکته قابل تأمل در این جملات «جریان سیال فرآیندهای زبانی» است که به فراخور تنوع مخاطبان و معانی کلام، تغییر می-کنند. در این میان فرآیندهای مادی، ابزار اصلی انتقال اندیشه تعلیمی گوینده هستند. چنان که برای ابراز «صمیمیت، بیزاری، تعجب و اعتراض» که اغلب نشان از حالات عاطفی گوینده دارند، این فرآیندها غالب شده‌اند. مخاطب این فرآیندها اغلب افراد خاصی هستند که هویت مشخصی دارند و گوینده شناخت دقیقی از آنها دارد؛ از این رو گوینده به بیان احساسات خود نسبت به آنها پرداخته است. در سایر موارد نیز براساس رابطه‌ای که میان گوینده و مخاطبان وجود دارد، هر یک از فرآیندهای زبانی استفاده شده اند؛ به طوری که برای «تحقیر و بزرگداشت» افراد، به ویژگی‌های آنها توجه شده و فرآیندهای رابطه‌ای ابزار بیان آنها هستند.

جدول ۳: معنای ثانویه کلام در ارتباط با ندا و به کارگیری فرآیندهای زبانی در بازنمایی آنها در اسرارالتوحید

مخاطب	معنای ثانوی	فرآیندهای زبانی
خاص «قاضی صاعد»	تحقیر و سرزنش	رابطه‌ای
خاص «ابلیس»	بیزاری	مادی
عام «غلام»	تعجب	مادی
خاص «شیخ»	تکریم و بزرگداشت	رابطه‌ای
عام «مسلمانان»	هشدار و مؤاخذه	کلامی
خاص «خواجه»	اعتراض	مادی
خاص «بوسعد»	صمیمیت	مادی
خاص «پیر»	درخواست	کلامی
خاص «حسن مؤدب» ^۴	تأکید	رابطه‌ای

۵.۶ بررسی بسامد فرآیندهای زبانی در جملات پس از ندا در مقامات ژنده‌پیل

در این اثر، ۹۱ جمله ندایی وجود دارد که فرآیندهای مادی با بسامد «۲۸ مورد» در صدر قرار دارد. این فرآیندها در ساختار انواع جملات «خبری، امری و پرسشی» مطرح شده‌اند و مصادر آنها اغلب از زمان‌های مختلف «رفتن» هستند که به طور کامل تحت تأثیر اندیشه صوفیانه و تعلیمی گوینده قرار دارند. افعال و عبارات مختلفی از قبیل «چادر از روی باز کردن» (همان: ۴۹)، «درآمدن در شهر» (همان: ۱۱۶) و «روزه به خمر گشادن» (همان: ۱۵۳)، به طرز آشکاری از اوضاع اجتماعی حاکم بر صوفیه عصر حکایت می‌کنند؛ اوضاعی که گوینده ناگزیر شده است افعال امر و نهی را به دفعات در قالب فرآیندهای مادی به‌کارگیرد. یکی از نکات قابل تأمل در این اثر، خطاب‌های پرشماری است که نسبت به شیخ احمد جام در ساختار حکایات صورت گرفته است؛ از این رو وی در جایگاه پیشوای تصوّف به کنشگری فعّال مبدل شده است؛ کنشگری که درصدد ابلاغ ملزومات و کنش‌های صوفیانه به مخاطبان خویش است:

- گویند که ای آب! بازگرد و سوی بالا رو (غزنوی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).
- روزی در خاطر من دادند که احمد! راه حق چنین نروند که تو می‌روی (همان: ۳۰).
- در مرتبه بعد، فرآیندهای ذهنی با بسامد «۲۱ مورد» به کار رفته‌اند. مصادر فعلی این فرآیندها مانند اسرارالتوحید، اغلب از زمان‌های مختلف «دانستن» هستند:
- آن مرد گفت: ای شیخ! بمن ظن بد می‌بری؟ (همان: ۱۷۶).
- روی بر زمین نهادم و مناجات کردم که: خداوندا! تو می‌دانی که من نمی‌دانم (همان: ۴۳).
- سومین فرآیند در جملات ندایی در کتاب مقامات ژنده‌پیل، فرآیند رابطه‌ای با «۲۰ مورد» است. مصادر «بودن» و «شدن» هستند:
- آن جوان گفت: یا بوطاهر! در امانت خیانت روا نباشد (همان: ۱۹۴).
- گفتم: یا شیخ‌الاسلام! من پیر شده‌ام (همان: ۴۰).
- «فرآیند رفتاری» با «۱۳ مورد» در مرتبه بعد قرار دارند. شمار اندک افعال رفتاری بیانگر آن است که در عبارات خطابی این متن حالات و روحیات افراد اهمیت چندانی ندارد:
- روزی نفس با من جدال کرد، گفت: یا احمد! مرا بسیار رنجه می‌داری و زحمت می‌دهی (همان: ۳۱).

- [قاضی القضاة به شیخ احمد جام] گفت: ای شیخ! ما را از زاد دل بگرفت (همان: ۱۴۹).

«فرآیندهای کلامی» با بسامد «۵ مورد» در مرتبه بعد قرار دارند. تعداد کم این فرآیندها در جملات ندایی این اثر، تکصدایی را در این فضا ترسیم می‌کند. این تکصدایی همسو با خطاب‌های پرشماری است که نسبت به شیخ احمد در این کتاب صورت گرفته است. این تکصدایی و حضور پررنگ شیخ احمد، نشان دهنده شخصیت محوری او در این کتاب است که در ارتباط مستقیم با هدف گوینده یعنی بیان کرامات شیخ و اثبات آن‌ها، قرار می‌گیرد. مخاطب این کتاب در مواجهه با این جمله‌ها درمی‌یابد که عنصر گفت‌وگو در محیط عرفانی شیخ احمد جام ژنده‌پیل مجال بروز نداشته یا این که نویسنده احتمالی کتاب، محمد غزنوی، با روایتش چنین تصویری را پدید آورده است:

- قاضی گفت: یا مولانا! چه می‌گویی در حق کسی که ترا می‌گوید برخیز نمی‌توانی نشست (همان: ۵۲)

- او [خواجه امام عبدالرحمان] گفت: شیخ احمد! این نوع سخن نباید گفت که مردمان را بد افتد (همان: ۲۴۲).

آخرین فرآیند، «فرآیند وجودی» است که با بسامد «۴ مورد» مطرح شده است. این بسامد محدود، با ساختار صوفیانه متن، همسازی دارد. طبیعی است که «وجود» در فضایی که مبتنی است بر نفی غیرخدا، جایگاهی نداشته باشد:

- یکی گفت: یا شیخ‌الاسلام! چنین حالتی هست و ایشان چنین اندیشه‌ای دارند (همان: ۵۳).

- [شیخ احمد جام ژنده پیل می‌گوید] گفتم: خداوندا! اکنون عالم بسیارست و خلق، بی‌شمار (همان: ۴۳).



۶.۶ معانی ثانویه کلام در ارتباط با ندا و شیوه به کارگیری فرآیندهای زبانی در بازنمایی آنها در مقامات ژنده‌پیل

شیوه به کارگیری فرآیندهای زبانی در مقامات ژنده‌پیل برای انتقال معنای ثانویه کلام به مخاطب، نسبت به اسرارالتوحید تفاوت بارزی دارد. یکی از دلایل این عدم مشابهت را باید در مخاطبان ندا در کلام شیخ احمد جام جستجو کرد. در این اثر در موارد بسیار «شیخ جام» به عنوان مخاطب قرار گرفته است. این خطاب‌ها اغلب از سوی خداوند به وی مطرح شده است. با توجه به رابطه‌ای که میان شیخ احمد و خداوند حاکم است، اغلب معانی ثانویه کلام بر حول محور «عجز، توبیخ، سرزنش و تنبیه» متمرکز شده‌اند. شیخ احمد جام به عنوان پیشوای تصوف از طریق این شیوه بازنمایی، سعی در ترغیب پیروان و مریدان خود و در نهایت از بین بردن تصورات نادرست آنها دارد؛ مخاطبانی که اغلب بدون شناخت در مسیر تصوف گام نهاده‌اند یا این که شناخت صحیحی از تصوف و ملزومات آن ندارند. این امر از سوی دیگر نشان از جامعه اطاعت‌پذیر و بی‌اندیشه‌ای دارد که احمد جام در آن زندگی می‌کند و تعلیم می‌دهد. فرآیندهای مادی در این اثر نیز، ابزار اصلی برای انتقال اندیشه‌های صوفیانه گوینده هستند. یکی از نکات قابل ذکر، تنوع بیشتری است که در جهت به کارگیری فرآیندهای زبانی در این اثر مشاهده می‌شود. چنان که برای «مؤاخذة، ملامت و توبیخ» که هر ۳ مورد دارای بار معنایی یکسان هستند، فرآیندهای متنوعی «مادی، ذهنی و رفتاری» مطرح شده‌اند.

جدول ۴: معانی ثانویه کلام در ارتباط با جملات بعد از ندا و به کارگیری فرآیندهای زبانی در بازنمایی آنها در مقامات زنده پیل

مخاطب	معنای ثانویه	فرآیندهای زبانی
خاص «شیخ»	اظهار عذر و عجز	رابطه‌ای
----	تنبیه و تحقیر	رفتاری
خاص «سید عزیز»	صمیمیت	مادی
خاص «احمد»	توییخ	ذهنی
خاص «شیخ»	سرزنش	مادی
خاص «احمد»	مؤاخذه	مادی
خاص «احمد» ^۶	توییخ و ملامت	رفتاری

۷. نتیجه‌گیری

«خطاب و منادا» به عنوان یکی از سازوکارهای زبانی، در بافت متنی گفتمان صوفیانه اسرارالتوحید، در زمینه انتقال اندیشه تعلیمی گوینده نقشی چشمگیر و قابل توجه دارد. «خطاب» در این اثر تعلیمی به فراخور تنوع و تفاوت مخاطبان، سطح آگاهی هر یک از آنها، هدف تعلیمی گوینده و رابطه‌ای که نسبت به هر یک از مخاطبان دارد، با روش‌های مختلفی بیان شده است. علاوه بر این، معانی ثانویه کلام نیز در ارتباط با هر یک از مخاطبان به شیوه متفاوتی مطرح شده‌اند؛ از این رو در جملات بعد از خطاب در اسرارالتوحید «جریان معناداری» شکل گرفته که بیش از هر چیز در سطح افعال و ساختار نحوی جملات نمود یافته است؛ در نتیجه نمی‌توان ساختاری مشخص برای جملات پس از خطاب در این اثر در نظر گرفت؛ بلکه باید تنوع مخاطبان، روش‌های خطاب و القای معانی ثانویه را بارزترین مشخصه بلاغی این اثر توصیف کرد.

در زمینه معانی ثانویه، توجه گوینده در این اثر بیشتر بر بازنمایی حالات عاطفی متمرکز شده است؛ به این معنا که شیخ هرگاه خطاب به مخاطبان جمع و عام سخن می‌گوید، مفهوم «هشدار و اندرز» از فحوای کلام او دریافت می‌شود. این در حالی است که نسبت به کسانی که حالت انکار دارند، معنای «تحقیر و سرزنش» القا می‌شود. این شیوه بیانی نسبت به افراد خاص و گروهی از صوفیه که پیروان شیخ هستند، متفاوت است و معنای ثانویه «صمیمیت و بزرگداشت» دربردارد.

فرآیندهای مادی، ابزار اصلی انتقال اندیشه هستند و برای ابراز «صمیمیت، بیزاری، تعجب و اعتراض» این فرآیندها غالب شده‌اند. مخاطب این فرآیندها اغلب افراد خاصی هستند که هویت مشخصی دارند. در سایر موارد نیز، براساس رابطه‌ای که میان گوینده و مخاطبان وجود دارد، یکی از انواع فرآیندهای زبانی غلبه یافته‌اند؛ به طوری که برای «تحقیر و بزرگداشت» افراد، به ویژگی‌های آنها توجه شده و فرآیندهای رابطه‌ای ابزار بیان آنها هستند.

با هدف تبیین و تکمیل نتایج این پژوهش، مقایسه‌ای میان این اثر و مقامات زنده‌پیل صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که محمد بن منور از امکان نحوی ندا بسیار سامان-یافته‌تر و مناسب‌تر از محمد غزنوی بهره گرفته است و همین خصیصه به ظاهر ساده نحوی، بلاغت تکامل یافته و ساختار مؤثرتری را در کتاب اسرارالتوحید پدید آورده است؛ به طوری که هرگاه با منادای بی‌نشانه در این کتاب روبه‌رو می‌شویم، در بیشتر موارد می‌دانیم که جایگاه اجتماعی یا معنوی و شخصیت کلی مخاطب در نظر نویسنده چندان مطلوب نیست و نویسنده خواسته است بدون بیان مستقیم و الفاظ مشخص، بیزاری و حتی نفرت خود را نسبت به شخص مورد خطاب به مخاطبانش منتقل کند. در مواردی که نشانه «یا» در کتاب اسرارالتوحید به کار رفته، خواننده می‌تواند در بیشتر موارد شخصیتی محبوب و مکرّم را در نظر مجسم کند.

فرآیندهای مادی در هر دو اثر بالاترین بسامد را دارند که نشان‌دهنده پویایی فضای عرفانی حاکم بر متن است. فعل‌های رابطه‌ای در «اسرارالتوحید» در مرتبه دوم قرار دارند؛ اما در «مقامات زنده‌پیل» افعال ذهنی در جایگاه دوم هستند؛ یعنی در جامعه «اسرارالتوحید» پند بیشتر است و در جامعه «مقامات زنده‌پیل»، درونگرایی پررونق‌تر. در هر دو کتاب از لحاظ بسامد، فعل‌های رفتاری، کلامی و وجودی در رده‌های بعدی هستند که کاملاً با متن صوفیانه سازگاری دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالقاهر جرجانی در ذیل توضیح در باره ساختار نحوی آیه ۴۴ سوره هود یکی از نشانه‌های عظمت آیه را در این می‌داند که زمین مورد خطاب قرار گرفته‌است آن هم با حرف ندای «یا» نه با «أی» و آسمان را هم با همین نشانه خطاب کرده و به او دستور داده: *وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اقْلَعِي* (جرجانی، ۱۹۸۴: ۳۶). در ادامه نیز می‌گوید: «أی» را جایی می‌آورند که

بخواهند طرف خطاب را بزرگ شمارند؛ ولی چون در این جا خداوند، فرمان را به بی جان صادر می کند، اقتضای مقام آن است که برای ندا، حرف «یا» به کار رود (همان: ۳۶).

۲. نمونه هایی از تنوع جملات، مخاطبان و فرآیندهای زبانی در ساختار جملات بعد از خطاب در بافت متنی اسرارالتوحید (مطابق ترتیب جدول شماره ۱)

شیخ روی بدان ستون کرد گفت: ای مردی که در پس ستون مسجد نشسته ای! انکار از دل بیرون کن (همان: ۱۶۴).

شیخ ما گفت: «ای مسلمانان! بحقیقت بدانید که وی بارتان بنخواهد گذاشت» (همان: ۳۰۰).
شیخ ما [به درویشی که خانقاه را می رفت] گفت: یا اخی! چون گوی باش در پیش جاروب چون کوهی مباح در پس جاروب (همان: ۲۴۷).

شیخ گفت: ای مردمان! امسال همه آن خواهد بود که خدای خواهد (همان: ۲۶۸).
چون بازگشتم شیخ از پس پشت من [حاجب محمد که بعدها عمید خراسان شد] درنگرست و گفت: ای بسا کارا که در قفای این مرد هست! (همان: ۸۸).

آنکه شیخ ما گفت: یا جوانمرد! ما را با تو همان افتاد که وی را با آن سایل (همان: ۲۸۱).

[شیخ] حسن مؤدب را گفت: هان ای حسن! چه گونه می بینی؟ (همان: ۱۹۳).

شیخ ما گفت: ای مسلمانان! تا کی از من و من؟ شرم دارید (همان: ۳۰۲).

۲. شیخ گفت: خواجه محاسب! چه باید کرد؟ (همان: ۱۲۶).

۳. نمونه هایی از تنوع جملات، مخاطبان و فرآیندهای زبانی در ساختار جملات بعد از خطاب در بافت متنی مقامات ژنده پیل (مطابق ترتیب جدول شماره ۲)

شیخ الاسلام گفت: ای که آب می طلبی! آنجا رو و طهارت کن (همان: ۱۱۵).

پس شیخ الاسلام گفت: ای مردمان! بدانید که این خواجه بوالحسن را رئیس شما کردند (همان: ۱۳۵).

چون ساعتی بود باز به خاطر من فرودادند که ایا احمد! تو نیکو رونده ای باشی در راه حق - تعالی (همان: ۳۰).

روزی در خاطر من دادند که احمد! راه حق چنین نروند که تو می روی (همان: ۳۰).

شیخ الاسلام گفت: ای بیچارگان! شما را چنین در جوال کرده اند؟ (همان: ۱۷۷).

شیخ الاسلام دست بر پشت او زد و فرمود که یا باعیسی! شما ندانسته اید که کار اولیای خدای عز و جل ببازوی شما نباشد؟ (همان: ۵۵).

۴. نمونه‌هایی از تنوع معانی ثانویه کلام در ارتباط با جملات بعداز ندا و به‌کارگیری فرآیندهای زبانی در بازنمایی آنها در اسرارالتوحید (مطابق ترتیب جدول شماره ۳)
شیخ رو به قاضی صاعد [که از منکران شیخ بود] کرد و گفت: ای قاضی! مردار سگان را و سگان مردار را (همان: ۱۰۳).

یکی از مشایخ در عهد شیخ ما ... ابلیس را دید آنجا گفت: ای ملعون! اینجا چه می‌کنی؟ (همان: ۲۷۵).

خواجه گفت: ای غلام! خیارى بدین تلخی و تو بدین خوشی می‌خوری؟ (همان: ۷۸).
[آن رهگذر شیخ ما را] گفت: ای شیخ! سخن من سمع مبارک شما را نشاید (همان: ۵۲).
شیخ ما گفت: ای مسلمانان! تا کی از من و من؟ شرم دارید (همان: ۳۰۲).
سلطان [طغرل] گفت: «ای خواجه! هر وقت که مرا با تو شغلی باشد و ترا بخوانم، گویند قرآن می‌خواند یا نماز می‌کند و شغل من ضایع می‌ماند» (همان: ۳۱۹).
شیخ گفت: ای بوسعد! ما را وداع کن که تو بازآیی و ما را نبینی (همان: ۳۵۴).
جوانی به نزد پیری درشد و گفت: ای پیر! مرا سخنی گوی (همان: ۲۲۱).
شیخ گفت: ای حسن! هرگز هیچ کس در کار خدای زیان نکرده است (همان: ۱۰۸).

۵. غزنوی در مقدمه مقامات ژنده‌پیل، هدف از نوشتن کتاب را بیان کرامات شیخ عنوان می‌کند تا پاسخی برای منکران باشد: «چون دوستان مخلص این کتاب را می‌خوانند شاد می‌باشند و می‌باشند و می‌نازند و منکران و خاسران که می‌شنوند، می‌گدازند.» (غزنوی، ۱۳۸۸: ۶).

۶. نمونه‌هایی از تنوع معانی ثانویه کلام در ارتباط با جملات بعداز ندا و به‌کارگیری فرآیندهای زبانی در بازنمایی آنها در مقامات ژنده‌پیل (مطابق ترتیب جدول شماره ۴)
این هر سه تن برخاستند و به قدم مبارک شیخ‌الاسلام درآمدند و عذرها خواستند و گفتند که ای خواجه! ما بی‌ادبی کردیم و ندانستیم، از ما به کرم درگذار (غزنوی: ۱۳۸۸: ۲۱۱).

شیخ‌الاسلام بانگ بر وی زد گفت: خاموش، ای بی‌ادب! (همان: ۶۴).
شیخ‌الاسلام ... گفت: ای سید عزیز! حق‌تعالی جان فرزند ترا در کار تو کرد (همان: ۵۴).
در دل او در آمد که ای احمد! تو از ما چه خواستی که از تو دریغ داشتیم؟ (همان: ۱۰۳).
[رشیدالدین بوسعید] گفت: یا شیخ! این چه شید است که برآورده‌ای؟ (همان: ۴۷).
ناگاه آواز شنیدم که بگوش می‌رسید که «ای احمد! آن حیوان را چه رنجه می‌داری؟ (همان: ۲۹).

حریفان گفتند: احمد! بر ما می‌خندی یا بر خود؟ (همان: ۲۹).

کتابنامه

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی ۲، چ ۱۲، تهران: فاطمی.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و رضا زمردیان (۱۳۸۳). «تحلیل نحوی - معنایی ساختمان بند ساده در زبان فارسی بر پایه دستور نقشگرایی نظام‌مند هلیدی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۵، صص ۵۵ - ۷۴.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸). دلائل الاعجاز، ترجمه رادمش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۸۴). دلائل الاعجاز، به تعلیق محمود محمد شاکر، قاهره: مکتبه الخانجی.
- حاتمی، سعید و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۲، صص ۸۷ - ۱۲۴.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، چ ۱۲، تبریز: ستوده.
- سیدقاسم، لیلا (۱۳۹۳). «بررسی همانندی‌های نظریات عبدالقاهر جرجانی در کاربردشناسی زبان و نقشگرایی هلیدی»، مجله ادب پژوهی، شماره ۲۸، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی، چ ۷، تهران: اساطیر.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: نوین.
- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۱). «عنصر خطاب در غزل سعدی»، مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۷۲، صص ۲۵ - ۵۳.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹). معانی، چ ۶، تهران: میترا.
- صادقیان، محمدعلی (۱۳۸۲). طراز سخن در معانی و بیان، یزد: ریحانه‌الرسول.
- عرب، مریم و فاطمه مدرسی (۱۳۹۱). «بلاغت نثر صوفیانه خطابی در تمهیدات عین‌القضات همدانی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲۵، صص ۳۲۲ - ۲۹۳.
- عمارتی‌مقدم، داوود (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی کاربرد نظریه‌های مدرن در تدوین درسنامه‌های بلاغی»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، صص ۲۹ - ۴۷.
- غزنی، سدیدالدین محمد (۱۳۸۸). مقامات ژنده‌پیل، به اهتمام حشمت مؤید، چ ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). جمله و تحول آن در زبان فارسی، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- قربان‌خانی، مرضیه و سید محمدرضا ابن‌الرسول (۱۳۹۱). مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۲۸۱، صص ۶۳۰ - ۶۴۲.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی (پنج استاد)، چ ۲، تهران: فردوس.

۲۶ کهن‌نامه ادب پارسی، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

میهنی، محمدبن منور (۱۳۸۹). اسرارالتوحید، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.

هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن «ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی»، ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات سیاه‌رود.

Leech Geoffrey N (1988) ; "Stylistics and Functionalism "Mac Cabe N Fabb D.Attridge The Linguistics of Writing : Arguments Between Language and Literature Routledge

